

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند
 کز تو نب داکر جدا انعم
 بنیخ یقیم شب تاری شود
 چون شست آینه زانین پاک
 آینه است دار معانی من
 دانش تو دیدم و غیرت
 بوی جان و لب سپیدم
 در کس از چشم تو دیدم جزین
 زو علم بوفتن نترس
 بیگانه ازین کس نبردیم
 با دست خیزل انشان رسید
 جلوه ای با تمام آراستیه
 سوزی نیز جلوه که آراستیه

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند
 کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند
 کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند
 کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند
 کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند

کوهستان زود رسد از انجان
 باستان از آن جهت بران چشم
 بنیخ آفت دجل دیاپس
 بر دل معصوم و عیارت نماند

Copyrighted Copying Source University